

پاسخ دکتر دینانی به مخالفان فلسفه

به دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی عرض کردیم که عده ای علم مخالفت با فلسفه را در رسانه ها بر داشته اند.



پاسخ دکتر دینانی به مخالفان فلسفه

به دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی عرض کردیم که عده ای علم مخالفت با فلسفه را در رسانه ها بر داشته اند. گذشته از مقاصد سیاسی و غیر سیاسی اینها، چه پاسخی باید به این جماعت که در گذشته و حال این شبهات را بیان می کنند، بدهیم؟

به گزارش خبرآنلاین این استاد فلسفه دانشگاه در آغاز لبخندی زد و گفت باز حرف های تکراری. تا کی؟

ایشان البته کوتاه پاسخ گفت: «طرفداران فلسفه، مخالفان خود را در مقابل این استدلال قرار می دهند، و می گویند: یا فلسفه و استدلال فلسفی طریقی است که انسان می تواند از آن طریق به نوعی از حقیقت نائل گردد یا نه؟ اگر کسی بگوید: فلسفه چیزی است که می تواند چهره ای از حقیقت را برای انسان آشکار سازد، ناچار به ارزش و اعتبار فلسفه اعتراف کرده است.

ولی اگر کسی این ارزش و اعتبار را انکار کرده و فلسفه را امری بی حاصل به شمار آورد، ناچار باید برای اثبات این سخن به نوعی استدلال دست یازد و در همین مورد است که منکر فلسفه با حربه ی فلسفه به جنگ فلسفه می رود و در عین انکار فلسفه، به دامن فلسفه پناه می برد.

وی ما را به مطالعه کتاب «وجود رابط و مستقل در فلسفه اسلامی» که به قلم خودش منتشر شده است توصیه کرد و گفت: در آنجا هم آورده ام، هیچ چیزی برایم مضحک تر از منظره ی دشمنان ظاهری فلسفه نیست، زیرا این اشخاص به استدلال های پرطمطراق متوسل می شوند، تا ثابت کنند که فلسفه وجود ندارد. مخالفان فلسفه می گویند، فلسفه همان گونه که در زمینه ی علوم طبیعی، نقش مهمی به عهده ندارد، در زمینه ی علوم اقتصادپریال سیاسی و اجتماعی نیز حرفی برای گفتن ندارد، زیرا کلیه امور اجتماعی باید با ملاک مصلحت شنجیده شود و مصلحت چیزی است که به فلسفه نیازمند نیست. ولی این اشخاص از این نکته غافل شده اند که این سخن به هیچ وجه از فلسفه کنار نیست.

زیرا وقتی در مورد امور اجتماعی مصلحت را ملاک کار خود قرار می دهند، معنی سخن آنان این است که در کار خود، هدف یا غایتی را از پیش در نظر گرفته و برای تحقق بخشیدن به آن کوشش می نمایند. در همین جا این پرسش پیش می آید که این هدف چیست؟ در مقابل پاسخ به این پرسش می گویند: هدف فقط قدرت مملکت است. در اینجا دوباره فیلسوف می پرسد: چرا باید قدرت مملکت هدف باشد؟! "

دکتر دینانی افزود : "مخالفان فلسفه اگر کوشش کنند که در برابر این پرسش، نظر خود را توجیه نمایند، ناچار باید گفت از حوزه ی یک نظریه ی سیاسی و اقتصادی خارج شده اند و به قلمرو فلسفه، وارد شده اند. برای سردمداران امر اجتماعی، آنچه بیش از این مسئله، اهمیت دارد این است که گفته می شود: در جامعه، چه چیز واقعی است؟

و آنچه واقعیت دارد، تا چه درجه از واقعیت، برخوردار است؟ جای هیچ گونه تردید نیست که جامعه در نظر انسان یک نیروی واقعی به شمار می آید، شاید نیروی جامعه از نیروی هر عنصر دیگر در این جهان برای انسان واقعی تر باشد. اکنون در اینجا است که بی درنگ با یک مشکل روبرو می شویم، اگر به اطراف خود نگاه کنیم، در جامعه فقط انسان ها را مشاهده می نمائیم. اگر در جست و جوی نوع بشر باشیم، فقط به افراد، دست خواهیم یافت. پس بسیاری از حکما نیز بر این عقیده اند که کلی طبیعی چیزی جز وجود افراد نیست. اینکه گفته اند: "الحق ان وجودالطبیعی معنی وجود اشخاصه"